

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.7,
No. 14,
Autumn & Winter 2023
P 43 - 70*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۷ ش ۱۴ پاییز و زمستان ۱۴۰۱
صفحات ۴۳ - ۷۰

تأثیر باورهای کلامی و فقهی مفسران تفسیر نمونه و تفهیم القرآن در برداشت‌های تفسیری
محمد نظیر عرفانی* حسین اژدری زاده* فاضل حسامی*

چکیده

از مهم‌ترین امور مؤثر در برداشت‌های تفسیری مفسران، باورهای کلامی و فقهی آنان می‌باشد، باورهای کلامی و فقهی از جمله اموری است که مفسر قبل از تفسیر نمودن در خصوص آنها تصمیم گرفته است و به همین جهت فهم مفسر از متن قرآن در راستای باورهای کلامی و فقهی خویش می‌باشد که با شدت یا ضعف تعصب بر آنها، میزان مطابقت فهم آیات با باورهای کلامی و فقهی مفسر تغییر می‌نماید، همچنین در باورهای فقهی اختلاف بسیار زیادی بین مذاهب اسلامی وجود دارد که برخی از این باورهای فقهی جزو هویت آن مذهب به شمار می‌روند و با شناخت این موارد می‌توان در تفسیر آیات مورد بحث متوجه شد که مفسر بر اساس کدام مذهب فقهی برداشت تفسیری خویش را از آن آیه ارائه نموده است. مفسر تفسیر نمونه از علمای شیعه امامیه است و با کنکاش در تفسیر نمونه این مطلب روشن می‌گردد که در باورهای کلامی که برای امامیه از حساسیت خاصی برخوردار است، مفسر این تفسیر نیز حساس بوده و

*. (نویسنده مسئول)، استادیار جامعه المصطفی العالمیه، mna8181@yahoo.com

*. استادیار گروه معارف اسلامی و جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی نراق،

hajdaryzadeh@rihu.ac.ir

*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، fhesami@gmail.com

باورهای کلامی خویش را در تفسیر آیات بروز داده است و برخلاف ایشان مفسر تفهیم القرآن در ارتباط با همین مباحث گاه سکوت نموده و گاه تفسیر خلاف دیدگاه مشهور ارائه کرده و یا به توجیه تکلف‌آمیز آنها پرداخته است که ناشی از تعصب ایشان به باورهای کلامی اهل تسنن می باشد. تفسیر نمونه برخاسته از مذهب فقهی شیعه و بر اساس باورهای فقهی شیعه امامیه و تفسیر تفهیم القرآن بر اساس باورهای فقه حنفی نگاشته شده است و پیش زمینه باورهای فقهی نویسندگان در برداشتهای تفسیری آنها مشهود است.

واژگان کلیدی: تفسیر، باورهای کلامی و فقهی، گرایش، تفسیر نمونه، تفسیر

تفهیم القرآن.

مقدمه:

مفاهیم متعالی قرآن مجید و تمسک مسلمانان به این کتاب و حیانی و نقش محوری آن، موجب استواری و صلابت معارف دین مبین اسلام بر سایر اندیشه‌ها گردیده است، اما در کنار این امر، عوامل گوناگونی باعث شده که در فهم معارف و حیانی قرآن، اختلاف شکل گیرد و معارف و حیانی آن با دیدگاه های گاه کاملاً متضاد و مختلف تبیین گردند، از جمله اموری که در تفاوت برداشت های تفسیری مفسران از متن قرآن اثر گذار و نقش آفرین است، باورهای کلامی و فقهی ای می باشد که مفسر از پیش آنها را پذیرفته است و بر اساس آن به تفسیر متن قرآن روی می آورد که منجر به پیدایش گرایش های مختلف کلامی و فقهی در تفسیر گردیده است.

مفاهیم

۱. تفسیر

کلمه تفسیر در لغت به معنی روشن نمودن، تبیین کشف و پرده برداری است. این واژه از ریشه «ف س ر» و یا «س ف ر» می‌باشد. مانند «اسفر الصبح» یعنی صبح روشن شد و «اسفرت المرأة عن وجهها النقاب»؛ یعنی کشفته، (جوهری، ۱۹۸۵: ذیل ماده سفر) زن نقاب از رخ بر کشید. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۳۶) تفاوت این دو در آن است که «سفر» به معنی کشف ظاهری و مادی، و «فسر» به معنی کشف باطنی و معنوی به کار می‌رود چنانکه راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «الفسر: اظهار المعنی المعقول». (همان، ۳۹۴).

برخی گفته‌اند: تفسیر از «التفسرة» و از ریشه رباعی است، «التفسرة» به وسیله، روش یا عملی می‌گویند که با آن بیماری شخص آشکار می‌شود و پزشک با آن، بیماری مریض را تشخیص می‌دهد. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۴۹/۷).

علامه طباطبایی در تعریف تفسیر می‌فرماید: «هو بیان معانی الآيات القرآنية و الكشف المقاصدها و مداليلها»؛ تفسیر بیان معانی آیات قرآنی و روشن کردن مقصود و مدلول آنهاست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۱) آیت الله معرفت تفسیر را اینگونه تعریف نموده است: «رفع الابهام عن اللفظ المشكل»؛ تفسیر رفع ابهام از الفاظ مشکل است. (معرفت، ۱۴۱۸: ۲/۱)

دکتر رضایی اصفهانی در تعریف اصطلاحی تفسیر می‌گوید: «مقصود از تفسیر، تبیین معنای استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلانی محاوره، با استمداد از منابع و قرائن معتبر است.» تعریف ایشان را می‌توان تعریف جامع و کامل دانست. زیرا در ضمن بیان معنای لغوی تفسیر، ابزار و

منابع معتبر تفسیر را ذکر نموده است تا بر اساس آن بتوان تفسیر درست و صحیح را از تفسیر نادرست و ناصحیح (تفسیر به رأی) تشخیص داد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۸/۱).

۲. گرایش

مراد از گرایش، صبغه‌ها و لون‌های مختلف است. در تفسیر قرآن، گرایش، به سمت و سوهایی گفته می‌شود که ذهن و روان مفسر، در تعامل با شرایط و مسایل عصر خود، بدان‌ها تمایل دارد که گاهی با عناوینی چون تفسیر کلامی، تفسیر تربیتی، تفسیر اخلاقی، تفسیر اجتماعی، تفسیر ادبی و ... معرفی می‌شود. این‌گونه امور با تمایلات ذهنی و روانی مفسران ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد. روحیات مفسر، میزان بهره‌مندی او از دانش‌های مختلف، دغدغه‌های او نسبت به دین، انسان، مسائل اجتماعی و تحولات زمان از اهم اموری است که باعث می‌شود مفسران با گرایشی متمایز از یکدیگر به تفسیر و تحلیل آیات بپردازند و در نتیجه هر مفسری با مهم دیدن لایه یا جنبه‌ای از موضوع، به سراغ ظواهر، اطلاقات و عمومات قرآن کریم رفته است و پاسخ‌های مختلف از قرآن دریافت کرده‌اند. (کاظم شاکر، ۱۳۸۲: ۴۸).

۳. باورهای کلامی و فقهی

تقریباً تمامی اندیشمندانی که به بحث پیرامون روش‌ها و گرایش‌های تفسیر اقدام کرده‌اند به باورهای کلامی و فقهی مفسر توجه نموده‌اند. (ذهبی، ۱۳۸۱: ۲/۵۲۰؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

باورها امری است که مفسر قبل از تفسیر نمودن در خصوص آن تصمیم گرفته است و به همین جهت باید انتظار داشت فهم مفسر از متن قرآن در راستای مذهب

خویش باشد که با شدت تعصب بر باورهای مذهبی، میزان مطابقت فهم آیات با باورهای مذهبی آن تغییر می‌نماید. با توجه به اینکه مذهب مؤلف تفسیر نمونه شیعه امامیه می‌باشد، مؤلف تفسیر نیز در اثر خویش به تبیین و دفاع از باورهای کلامی و فقهی شیعه امامیه همچون امامت، توسل، تقیه، بدا، وضو، نکاح موقت و زکات همت گماشته است و تفهیم القرآن باورهای حنفی را در تفسیر آیات قرآن مبنا قرار داده است. تجربه تاریخی رشد معرفت بشری و تاریخ ادیان نشان می‌دهد که ادیان الهی کمتر تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی قرار گرفته‌اند ولی فهم دین‌داران از نصوص دینی تحت تأثیرات فرهنگی قرار می‌گیرد و نصوص دینی کمتر دچار چنین تغییرات فرهنگی می‌شوند و با توجه به این نکته که تأثیرگذاری فرهنگ در باورها، آیین‌ها، اعمال عبادی قطعی است باید دید این تأثیرگذاری تا چه سطحی است و موجب چه تحولاتی در فرد و معرفت وی می‌گردد، سطوح بنیادی نظام باورهای دینی معمولاً بسیار کمتر تحت تأثیرات فرهنگی قرار می‌گیرند اعتقاداتی همچون باور به وجود خدا، جهان آخرت، به دلیل اشتراک در ادیان و به سبب مطابقت بودن با فطرت و عقل انسان کمترین تغییرها را متحمل می‌شوند به عنوان مثال با گذشت قرون متمادی از ظهور ادیان، امروزه نیز اکثریت مردم دارای باورهای خدا باورانه می‌باشند که نشان دهنده معقولیت و فراگیری این باورهاست و تنوع و اختلاف نظرهای فرهنگی ملت‌های گوناگون در چگونگی فهم آنها از وجود خدا و زندگی اخروی تأثیرگذار نبوده است. (جان هیک، ۱۳۷۶: ۱۲۵)

البته برخی نیز اندیشه خدا باوری را ترک نموده یا بر عکس برخی به آن ایمان آورده‌اند یا مهاجرت برخی جهت حفظ اعتقادات خویش نشان می‌دهد که مطابق با فطرت بودن و عقلانیت این باورهای موجب ثبات بیشتر این باورهای دینی گردیده است.

در زمینه باورها مواردی همچون وجوب نماز، روزه، حج، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق و مانند آنها را می‌توان باورهای مشترک میان نگرش‌های مختلف اسلامی دانست و بیشتر فرق اسلامی بر نقش پایه‌ای این باورها و عبادات تأکید دارند گر چه در باب چگونگی عمل به آنها اختلاف نظر وجود دارد.

برخی باورها همانند صفات و افعال الهی، رابطه ذات و صفات خدا، رابطه خدا با جهان و انسان، نقش خدا در افعال انسان، علم الهی، توحید نظری و عملی، توحید عملی و عبادی، اراده الهی، کلام الهی، قضا و قدر از جمله باورهایی هستند که بیشتر تحت تأثیر فرهنگ دچار تغییرات می‌شوند. (رشاد، ۱۳۸۶: ۵۶)

همسایگی اسلام با فرهنگ هندو در هندوستان یا فرهنگ‌های شرقی در مالزی و اندونزی یا فرهنگ خاورمیانه‌ای در آسیا به تأثیرپذیری فرهنگی از باورهای آنها منجر شده است، همانند دخل شدن باورهای اسطوره‌ای هندی در آموزه های دینی مسلمانان هند؛ همچنین مسلمانانی که در طول قرون گذشته، در مجاورت پیروان ادیان دیگر، اعم از الهی و غیر الهی، زندگی کرده‌اند، فهمی متفاوت از آموزه‌های رستگاری و نجات و مسئله همزیستی با پیروان ادیان دیگر دارند. همانند مسلمانان هند و لبنان و برخی کشورهای دیگر، زیرا فرهنگ مشترک با پیروان ادیان مختلف به تدریج موجب تغییر نگرش یا تعدیل در نگرش‌های دینی آنها شده است که نشان دهنده تأثیر فرهنگ بر معرفت می‌باشد که در تفاسیر نگاشته شده در مناطقی همانند شبه‌قاره، لبنان و سوریه این تأثیر مشهود می‌باشد.

۴. تفسیر نمونه

تفسیر نمونه اثر گروهی از نویسندگان زیر نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از مرجع تقلید معاصر شیعه و جمعی از همکاران ایشان می‌باشد که شامل آقایان محمدرضا آشتیانی، محمدجعفر امامی، داود الهامی، اسدالله ایمانی، عبد الرسول حسنی، سید حسن شجاعی، سید نورالله طباطبائی، محمود عبداللهی، محسن قرائتی و محمد محمدی اشتهاردی بوده است. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳: ۶۰/۵) تفسیر نمونه به اذعان برخی بزرگان در عصر ما از رایج‌ترین و مشهورترین تفاسیر فارسی می‌باشد. (استادی، ۱۳۸۳: ۲۵۱) این تفسیر که به زبان کاملاً گویا و قابل فهم برای استفاده عموم به نگارش در آمده و دو ویژگی عصری و اجتماعی بودن آن، موجب اقبال گسترده به آن شده است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۷۷۴/۱) و استقبال بسیار خوبی از آن در ایران و جامعه شیعیان در سایر نقاط جهان به عمل آمد، به طوری که تا کنون به زبان‌های عربی، انگلیسی، بنگالی و اردو ترجمه شده است. (ایازی، ۱۳۷۸: ۱۴۶)

اولین جلد تفسیر نمونه در سال ۱۴۰۰ قمری منتشر و در اختیار عموم قرار گرفت و تا سال ۱۴۱۴ قمری در ۲۷ جلد تکمیل آن به طول انجامید.

مهم‌ترین منابع این تفسیر عبارت‌اند از: مجمع‌البیان، المیزان، تبيان، نور الثقلین، صافی، الجامع لاحکام القرآن، روح المعانی، تفسیر کبیر، المنار، تفسیر المراغی و... (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۸/۱)

تفسیر نمونه به روش اجتهادی (جامع) نگاشته شده است و شیوه ارائه مطالب در این تفسیر چنین است که در آغاز، پس از بیان نکات کلی در هر سوره، به فضای حاکم بر سوره، سبک و سیاق و موضوعات مهم مطرح شده در سوره اشاره می‌شود، سپس به مضمون آیه پرداخته و با آوردن متن عربی و ترجمه چند آیه و ارائه توضیحات کلی، با

روشی تحلیلی، مسائل زندگی و هدایت انسان با استفاده از آیات قرآن تشریح می‌شود. این تفسیر بحث‌های لغوی و ادبی را بسیار مختصر و در برخی موارد در پاورقی می‌آورد؛ سپس به طرح دیدگاه‌ها پرداخته و به جمع‌بندی یا نقد و بررسی آنها می‌پردازد و در صورت وجود روایات در تفسیر آیه آن را نقل می‌کند و در آخر با عنوان «نکته‌ها» به مباحث اجتماعی، اخلاقی، تربیتی، فقهی، علمی و مانند آن می‌پردازد و نکات اخلاقی، علمی، اجتماعی و ... را مطرح می‌سازد که خود تفسیر موضوعی به شمار می‌رود. (علوی مهر، ۱۳۹۰: ۳۷)

تفسیر نمونه به مباحث علوم تجربی توجه خاص نشان داده؛ دیدگاه‌های مفسران را مطرح و دیدگاه منتخب خود را با دلیل می‌آورد و تلاش گردیده، کشفیات و نظریات و قوانین ثابت علمی که مؤیدت قرآنی دارند، همانند خلقت انسان، حیوان، جهان طبیعت و ... مورد بررسی قرار گیرد. (فعال عراقی، ۱۳۸۱: ۳۹) همچنین به روایات، لغت و ادله عقلی توجه دارد. شیوه مؤلف در طرح دیدگاه‌ها تا آنجا که امکان دارد، جمع بین اقوال است. یکی از امتیازات این تفسیر آن است که در آغاز هر سوره به مکی یا مدنی بودن، تعداد آیات، اهداف و بخش‌های مختلف آن اشاره کرده، سپس به فضیلت سوره می‌پردازد.

گرایش تفسیر نمونه، اجتماعی است و با توجه به نیازمندی‌های عصر حاضر تألیف گردیده است. مؤلف و همکاران ایشان دغدغه پاسخگویی به نیازهای فکری و معنوی جامعه مخاطب خود را داشته‌اند لذا در مقدمه تفسیر بیان شده است که:

هر عصری ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهایی دارد که از دگرگون شدن وضع زمان و پیدا شدن مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی سرچشمه می‌گیرد. همچنین هر عصری مشکلات و پیچیدگی‌ها و گرفتاری‌های مخصوص به خود دارد که

آن نیز از دگرگونی اجتماعات و فرهنگ‌ها که لازمه تحول زندگی و گذشت زمان است، می‌باشد. افراد پیروز و موفق آنها هستند که هم آن نیازها و تقاضاها را درک می‌کنند و هم این مشکلات و گرفتاری‌ها را، که مجموع آنها را «مسائل عصری» می‌توان نامید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۳/۱).

۵. تفسیر تفهیم القرآن

ابو الاعلی مودودی یکی از متفکران و اصلاح طلبان و مشاهیر جهان اسلام و از عالمان دین مبرز پاکستان است. وی از مجاهدین مؤسس حرکت آزادی بخش حزب جماعت اسلامی، نخستین حزب سیاسی اسلامی، در تاریخ پاکستان است. وی در سال ۱۹۰۳ م در اورنگ پاکستان تولد یافت و درس‌های علوم دینی را در این شهر گذراند و به مراتب علمی رسید (مودودی، ۲۰۰۸: ۲۲). در سال ۱۹۳۲ م با همکاری گروهی مجله‌ای تحت عنوان: ترجمان القرآن را در حیدرآباد پاکستان تأسیس کرد. بین سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۵ م از مدرسین مبرز در اداره اسلامی در دارالسلام شد. در سال ۱۹۵۳ م به سبب تنظیم تظاهرات ضد فرقه قادیانیه زندانی و به اعدام محکوم گشت که با توجه به اعتراضات گسترده داخلی و خارجی به سه سال حبس تقلیل یافت. (یوسف بهته، ۱۹۸۴: ۳۶۹) مودودی دارای آثار و تألیفات بسیار در موضوعات اسلامی است. از آن جمله: تفهیم القرآن، تفسیر سوره احزاب، مصطلحات القرآن، مبادئ الأساسیه لفهم القرآن، مقدمه‌ای بر مطالعات قرآن، تفسیر سوره نور (تعریب محمد عاصم الحداد) و کتاب حجاب است. وی در ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹ م وفات یافت.

تفهیم القرآن از گرانقدرترین تفاسیر و ترجمه‌ها به زبان اردو و اثرگذار در حرکت اصلاحی و قرآن پژوهی در منطقه بوده است. ابوالحسن ندوی شخصیت دینی و علمی

معاصر درباره مودودی می‌نویسد که من مانند او را در این دوره از فرهنگ اسلامی از نظر تأثیرگذاری در فکر و اندیشه ندیدم. (البیومی، ۱۳۹۵: ۵۱۰/۱)

ابو الاعلی مودودی نگارش تفسیر تفهیم القرآن را در ماه محرم ۱۹۴۲ م آغاز کرد و تا تفسیر سوره یوسف؛ یعنی تا جزء سیزدهم قرآن کریم ادامه داد. شیوه او بدین گونه بود که قسمت به قسمت می‌نوشت و آماده چاپ می‌کرد و هر مقدار که آماده می‌شد، آن را نشر می‌داد. در ماه اکتبر سال ۱۹۴۸ م به دلیل فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به زندان افتاد؛ اما از راه ننشست و در زندان به این کار ادامه داد. ولیکن پس از آزادی از زندان، به دلیل مراجعات فراوان و مشاغل گوناگون نتوانست تفسیر را ادامه دهد و زمانی طولانی گذشت تا بتواند در میان سال‌های ۱۹۶۰ - ۱۹۷۲ م باز شروع کند و به کار خاتمه دهد.

مهم‌ترین منابع تفهیم القرآن عبارتند از: جامع البیان ابن جریر طبری، معالم التنزیل بغوی، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر، کشف زمخشری، روح المعانی آلوسی، احکام القرآن قرطبی. (عبدالحی، ۱۹۸۱: ۵۴)

این تفسیر به زبان‌های مختلفی همچون عربی، بنگالی، سندی، پشتو، ترکی ترجمه گردیده است و توسط عبدالغنی سلیم قنبرزهی به فارسی ترجمه شده است.

تفهیم القرآن نیز به روش اجتهادی (جامع)، برای آگاهی و هدایت مخاطب و مردم نا آشنا به مفاهیم قرآن و با زبانی ساده و رسا نوشته شده و هدف او از ترجمه و توضیحات، تأمین نظر اهل فن و تخصص نبوده تا بحث‌های آکادمیک فنی و مباحث ادبی و یا نکات بلاغت و اعجاز و احکام را مطرح سازد. (خورشید احمد، ۱۹۹۲: ۱۴) او می‌خواهد خواننده را با پیام وحی آشنا سازد تا این آشنایی، در زندگی و رفتار آنان اثر بگذارد و منشأ تحولات و حیات اجتماعی آنان گردد.

گرایش این تفسیر، اجتماعی و بر مبنای پذیرفتن این اصل است که تفسیر امروز باید با تفاسیر گذشته تفاوت پیدا کند و مفسر معاصر به پر کردن فاصله میان عصر نزول قرآن و عصر تفسیر تلاش می‌نماید (همان، ص ۲۵)؛ زیرا مردم از فضایی که قرآن در آن نازل شده، بسیار فاصله گرفته و آگاهی‌های لازم که نشان دهد چه مسائل و مشکلاتی بوده که به بیان این امور انجامیده را ندارند و مفسر مخاطبان خود را از این دسته از مسائل باخبر می‌سازد. همین طور مخاطبان از اهداف و اموری که قرآن برای آنها نازل شد، دور شده‌اند، مفاهیم و حقایق آن به تدریج از ذهن‌هایشان محو گردیده و اصطلاحات قرآنی در نزدشان دگرگون شده است؛ به عبارت دیگر، فاصله زمانی از عصر نزول سبب شده تا فضایی که مسلمانان در آن زندگی می‌کردند و تلقی آنان از هدف نزول قرآن و التزام عملی به آن، به تدریج دگرگون گشته و در پی آن مسلمانان امروزی از فهم معنای عینی قرآن فاصله پیدا کرده‌اند. (ایازی، ۱۳۷۶: ۳۰) به این جهت مفسر عصری شیوه‌ای در ارائه مباحث جهان‌بینی و اعتقادی را بر می‌گزیند تا خواننده مناسب با زبان و اندیشه عصر پیام قرآن را درک کند و به شبهات و اشکالات عصر پاسخ بدهد. چنین تفسیری به تعبیر مودودی آن گونه که در مقدمه اشاره می‌کند که مفسرین مساعی بسیار با ارزشی انجام داده، اما برای رفع تشنگی و برآوردن نیاز نسل جدید در امروز کافی نیست و باید تفسیری امروزی ارائه داد که مناسب با قشر تحصیل کرده باشد. (مودودی، ۱۹۹۲: ۵/۱)

یکی دیگر از نکات برجسته تفسیر، گرایش مفسر به اندیشه اجتماعی و برجسته کردن پیام‌های آن است، گرایشی که در این قرن در دانش تفسیر مایه تحول و جاذبه به قرآن گردیده است. مودودی در ضمن ترجمه هر آیه، با نگرش به زندگی انسان و نیازهای واقعی و مشکلاتی که بر سر راه جامعه وجود دارد، رابطه و همگونی برقرار

می‌کند و تعالیم جامعه‌ساز قرآنی را مناسب با مخاطب خود بیان می‌کند. (الحامدی، ۱۴۰۳: ۳۵ - ۴۲).

تأثیر باورهای کلامی

باورهای کلامی یعنی باورها و اندیشه‌های اعتقادی که مفسر آنها را پذیرفته و این باورها تأثیر محوری و تعیین کننده‌ای دارند زیرا که معیار توجیه می‌باشند و حقیقت ساز به شمار می‌آیند. (هرندی و دارابی، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۵)

باورهای کلامی مفسر در نوع فهم و برداشت تفسیری وی اثرگذار هستند زیرا که مفسر تفسیر خویش را متناسب با اعتقادات کلامی خویش ارائه می‌دهد.

نمایان‌ترین نوع باورهای کلامی تأثیرگذار، آنچه است که بین فرقه‌های اسلامی در خصوص آنها اختلاف وجود دارد و به همین جهت راحت‌تر و با وضوح بیشتری خود را در برداشتهای تفسیری نشان می‌دهند.

به‌عنوان نمونه، تفسیر آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء/۵۹) برای شیعه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳/۴۳۴) و همچنین اهل سنت بسیار حساس می‌باشد زیرا باید مراد از «اولوالأمر» مشخص گردد. در ادامه برخی از اثر گذارترین باورهای مفسر بر تفسیر را مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱. امامت

از مسائل اختلافی در تفسیر و کلام مسئله امامت است که هر یک از مفسرین شیعه و اهل سنت از نظرگاه باور خاص خویش به آن پرداخته‌اند، یکی از ابعاد مسئله امامت این است که آیا از اصول است یا فروع و نصب آن از جانب مردم است یا از سوی رسول خدا؟

امامت برای مفسرین و متکلمین اهل سنت چون در خصوص خلافت، مسائل حکومت، سیاست، اداره جامعه و تأمین معاش مردم و نظایر آنها مطرح است، طبعاً آن را از فروع احکام قرار داده و بر همین اساس بسیاری از آیات را تفسیر کرده‌اند؛ اما شیعه چون از این تئوری که امامت و ولایت معصوم ادامه راه انبیا و برای تبیین و تفسیر وحی است، جانبداری می‌کند، لذا همانطور که نبوت را منصب الهی و از اصول می‌داند، امامت را هم منصب الهی و از اصول می‌شمارد؛ نه از فروع (سبحانی، ۱۳۸۱: ۵۱۵/۲). بر همین اساس تفاسیر شیعه بر این تئوری مبتنی است و آیات مربوط را بر اساس آن تفسیر کرده‌اند.

به عنوان مثال مفسران اهل سنت آیه «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ ص/۲۶) یا آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد بقره/۳۰) را بر اساس نظر باورهای اعتقادی اهل سنت به حکومت و فرمانروایی تفسیر می‌نمایند (مودودی، ۱۹۹۲: ۶۲/۱) و مفسرین شیعه بر اساس دیدگاه اعتقادی خویش آن را تفسیر نموده‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۶۳/۳)

از دیدگاه مذهب شیعه امامیه، حضرت علی^۷ بنا بر دستور صریح خداوند جانشین پیامبر^۶ می‌باشد به همین جهت مفسران شیعه از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی در خصوص تبیین آن به آیات متعددی از قرآن استناد نموده‌اند، همانند: بقره/۱۲۴، نساء/۵۹، مائده/۳، مائده/۵۵، مائده/۶۷، انبیاء/۷۳، شوری/۲۳.

و به همین خاطر آیات فوق را بر اساس اصل امامت تفسیر کرده‌اند، صاحب تفسیر نمونه و دیگر مفسران شیعه آیه «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم ص/۲۶)، یا آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد. بقره/۳۰. را بر اساس همان موضع کلامی امامیه تفسیر نموده‌اند.

همچنین در خصوص عصمت امام که از ضروریات مذهب شیعه است در تفسیر آیات ذیل:

«إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (داوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد احزاب/۳۳) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را! نساء/۵۹) به آن استناد وزیده‌اند.

۲. توسل و شفاعت

توسل، ناظر به جستن وسیله‌ای برای جلب رضایت خداوند است. در نظر امامیه نقش امام به گونه‌ای شکل گرفته که نه تنها با توسل به ائمه علیهم السلام امکان نجات از کیفر گناهان فراهم می‌گردد، بلکه توسل به امام از ارکان نجات و رستگاری به شمار می‌رود. مفهوم توسل به حسب ماهیت خود، ارتباط نزدیکی با مفهوم شفاعت دارد و به همین سبب، بسا بحث از آن با مبحث شفاعت گره خورده است. استشفاع یا توسل به شفاعت پیامبر ^ص و ائمه علیهم السلام در کنار مفاهیمی چون استغاثه و توجه، از مصادیق توسل به شمار می‌آید. توسل در میان فرق اسلامی در طی قرون متمادی مفهومی رایج بوده که نزد شیعه امامیه اهمیتی افزون یافته است. از قرن هشتم هجری، برخی از عالمان سلفگرا همچون ابن تیمیه (۷۲۸ ق) نسبت به توسل به تندی انتقاد کردند و آن

را بدعت و از مصادیق شرک انگاشتند و همین امر نه تنها منازعاتی را میان شیعه و سلفیه بلکه بین گروه‌های معتدل اهل سنت و سلفیه برانگیخته است. به هر حال از مباحث مهم و حساس برای امامیه بحث توسل و شفاعت ائمه معصومان است.

برجسته‌ترین آیه در خصوص بحث توسل: «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ...» (کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر؛ و به رحمت او امیدوارند اسراء / ۵۷)؛ «... وَأَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الرَّسُولُ...» (پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد. نساء / ۶۴) و علاوه بر آن آیاتی مانند: «فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ...» (سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد). بقره / ۳۷) به عنوان مستندات بحث توسل مطرح شده است. همچنین آیات ۴۸ بقره، ۵۳ زمر، ۲۵۵ بقره، ۱۹ زمر و ۱۸ غافر از آنجا که مفاد ظاهریشان نفی شفاعت است می‌تواند از بهترین آیاتی باشد که موضع مفسر را نسبت به بحث شفاعت، روشن کند.

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر اینگونه آیات تلاش نموده‌اند تا تعارض ظاهری را نفی کرده و آن را توجیه کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۹۶/۱؛ ۴۵۱/۳؛ ۱۶۴/۱۲).

۳. تقیه

تقیه کتمان عقیده و یا ابراز عقیده مخالف برخلاف نظر قلبی برای اجتناب از زیانی دینی یا دنیایی است. وضعیت اجتماعی مسلمانان در دوره مکه و سپس برخی اقلیت‌ها چون شیعه، زمینه‌ساز پیدایش و پیشرفت مفهوم تقیه گشته است. اهل سنت بر جواز تقیه در شرایط خاص و گروه‌های همانند زیدیه بر عدم جواز تقیه در هیچ شرایطی نظر داده‌اند و این در حالی است که شیعه به وجوب تقیه در برخی شرایط

خاص تصریح نموده‌اند و تأکید بسیاری بر عمل به آن در این شرایط دارند و تألیف‌های متعددی علمای شیعه در این زمینه نشان از حساسیت موضوع در بین امامیه است. (طوسی، بی تا: ۵۸ و ۱۱۲) بحث از تقیه را می‌توان در تفسیر نمونه ذیل آیاتی مانند: آل عمران/۲۸ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۵۰۰/۲)، نحل/۱۰۶ (همان: ۴۲۴/۱۱)، کهف/۲۰-۱۹، (همان: ۳۷۶/۱۲) مشاهده کرد.

۴. بداء

مراد شیعه از بداء این است که خداوند خلاف آنچه را در گمان مردم است ظاهر می‌کند و چیزی غیر از آنچه را معتقد به دوام و استمرار آنند برای آنان آشکار می‌سازد و این را بدان سبب بداء گفته‌اند زیرا مشابهت به حال کسی دارد که به چیزی فرمان دهد، یا تصمیم بگیرد سپس در همان وقت از آن نهی کند. (معروف حسنی، ۱۳۹۵: ۳۲۵)

در منابع روایی شیعه نیز روایات بسیاری از پیامبر و امامان علیهم السلام در تائید بداء آمده و اعتقاد به آن در زمره طاعات و عبادات و یکی از عالی‌ترین وجوه تعظیم حق تعالی محسوب شده است. (کلینی، ۱۴۱۳: ۱۴۶/۱-۱۴۸)

در تفاسیر بیشترین بحث در این رابطه را می‌توان در ذیل آیه «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (خداوند هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند؛ و «ام الكتاب» [لوح محفوظ] نزد اوست. رعد/ ۳۹) مشاهده کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۴۵/۱۰).

۵. عصمت انبیاء

همه مسلمین بر لزوم عصمت پیامبران اتفاق نظر دارند و مسئله در کلیت آن مورد اتفاق علماء فرق اسلامی است ولی در جزئیات همه فرق به جز امامیه به نوعی و هر کدام با توجیهاتی صدور گناه از جانب انبیاء را پذیرفته‌اند (معتزله گناهان صغیره را چه به سهو و چه به سبب تاویل، بر پیامبران جایز شمرده‌اند. اشاعره و حشویه محدثین گناهان کبیره و صغیره جز کفر و دروغ را بر پیامبران روا دانسته‌اند) (معروف حسنی، ۱۳۹۵: ۲۷۹)

ولی امامیه در این مورد از خود خیلی حساسیت نشان می‌دهد و هیچکدام از این توجیهاتی که فرق ذکر می‌کنند را نمی‌پذیرد زیرا به عقیده شیعه انبیاء از بدو تولد چه از روی عمد و چه از روی سهو و چه صغیره و چه کبیره وقوع معصیت از آنها ممنوع است. در آیاتی که به نوعی منافات با عصمت انبیاء دارد مانند:

«...وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و از پاداش او محروم شد. طه / ۱۲۱)؛ «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ (یاد کن) ذو النُّون [یونس] را هنگامی که خشمناک (از میان قوم خود) رفت و یقین کرد که بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ و [لی] در تاریکی‌ها ندا در داد که هیچ معبودی جز تو نیست؛ منزهی تو! در حقیقت من از ستمکاران بودم. انبیاء / ۸۷)؛ «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ» (ا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد. فتح / ۲)؛

مؤلف تفسیر نمونه به عنوان یک مفسر امامی مذهب نهایت تلاش و کوشش خود را نموده است تا این تعارض را حل نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۳ / ۳۲۳، ۴۸۷؛ ۲۰/۲۲).

تأثیر باورهای فقهی

مفسر قرآن طبق باورهای فقهی، مذهبی که اختیار نموده به تفسیر قرآن اقدام می‌ورزد و مواضع فقهی مذهبش بر نوع برداشت‌های تفسیری وی اثرگذار هستند، از نظر ذهبی هر مفسری با جانبداری از احکام و آرای فقهی پیشوای خود سعی در ترویج آن و ابطال آرای مخالفان دارد و با روی آوردن به تأویل و احیاناً قول به نسخ یا تخصیص تلاش می‌کند آیات قرآن را شاهد بر رأی فقهی خود یا دست کم غیر معارض با آن نشان دهد. (ذهبی، ۱۳۸۱: ۴۳۴/۲-۴۳۶)

بویژه از آنجا که در قرآن احکام فقهی معمولاً به صورت کلی بیان شده است همچنین در بسیاری از آیات نیز حکم با الفاظی بیان می‌شود که دلالت آن قطعی و ظاهر نیست و راه را برای اجتهاد و دخالت پیش‌فرض‌ها هموار می‌سازد. (عباسی، ۱۳۸۸، ص ۶۴)

در مسائل فقهی اختلاف بسیار زیادی بین مذاهب اسلامی وجود دارد که برخی از این مسائل فقهی جزو هویت آن مذهب به شمار می‌روند، با شناخت این موارد می‌توان در تفسیر مورد بحث با بررسی آنها متوجه شد که مفسر بر اساس کدام مذهب فقهی برداشت خویش را از آیه طرح نموده است.

به طور نمونه در آیه وضو این امر خود را به خوبی نشان می‌دهد: «... وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...» (؛ و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید. مائده / ۶). آیا پا را باید مسح نمود یا شست؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴ / ۲۸۷).

۱. وضو

درباره وضو بین فهم و عملکرد شیعه و اهل سنت سه تفاوت اصلی وجود دارد. یکی در جهت شستشوی دست است که طبق فقه اهل سنت از نوک انگشتان به سمت مرفق (آرنج) است و در شیعه بالعکس؛ و دوم درباره مسح یا غسل سر و پاها است که شیعه معتقد بر مسح و اهل سنت معتقد بر غسل هستند؛ و سوم درباره مسح کشیدن بر کفش است که شیعه مسح کشیدن بر کفش‌ها با جوراب را مطلقاً جایز نمی‌داند در حالی که سایر مذاهب نظریات دیگری در این زمینه دارند. به موجب این تفاوت‌های فقهی دو فهم متمایز از آیه وضو (مائده/ ۶) بین مفسران شیعی و غیر شیعی وجود دارد. همچنین مذاهب اهل سنت می‌گویند لمس کردن و دست زدن به زن نامحرم ناقض وضو است ولی امامیه لمس کردن را ناقض وضو نمی‌داند بلکه جماع کردن را ناقض می‌داند. (مغنیه، ۱۳۸۳: ۷۶۱-۷۵) این تفاوت نگاه خود را در تفسیر عبارت «... أَوْ لَأَمْسْتُمُ النِّسَاءَ...» (یا با زنان تماس (جنسی) داشتید. مائده/ ۶) نمایان می‌سازد. با توجه به حنفی مذهب بودن مودودی و اینکه مذهب حنفی برخلاف سایر مذاهب، وضو و غسل با آب مضاف را جایز می‌داند (مودودی، ۱۹۹۲: ۶۷/۲-۶۸) و از همین رو مفسرانی که بر اساس این مذهب به تفسیر می‌پردازند از آیه «... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا...»؛ (و آبی برای وضو یا غسل) نیافتید، پس بر زمین پاک [نیکو] تیمم کنید. مائده/ ۶) تفسیر دیگری ارائه می‌دهند.

۲. نکاح موقت

از دیگر موارد فقهی نکاح متعه است. اهل سنت می‌گویند متعه در ابتدا حلال بوده و بعد نسخ و حرام شده است (مغنیه، ۱۳۸۳: ۳۶۶/۲) ولی امامیه برخلاف سایر مذاهب،

قائل به جواز و اباحه نکاح متعه است و به موجب این موضع فقهی مفسران شیعی از جمله آیت‌الله مکارم، تفسیر متفاوتی از اهل سنت از آیه «... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...» (؛ و زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. نساء/ ۲۴) ارائه می‌دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۳۵/۳).

۳. زکات

از مسائل فقهی مطرح در باب زکات، یکی از موارد مصارف آن (فی سبیل الله) است. مذاهب چهارگانه گفته‌اند مراد از فی سبیل الله مجاهدینی است که به میل خود در جنگ برای دفاع از اسلام شرکت کرده‌اند ولی شیعه امامیه می‌گوید: سبیل الله عام است و شامل جنگجویان و تعمیر مساجد و بیمارستان و مدارس و دیگر مصالح عمومی هم می‌شود. (مغنیه، ۱۳۸۳: ۱۸۰/۱) این اختلاف نظر فقهی موجب اختلاف در تفسیر عبارت «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (زکات‌ها فقط برای نیازمندان و بینوایان و کارکنان [جمع‌آوری کننده] آن و دلجویی شدگان و در [راه آزاد کردن] بردگان و بدهکاران و در راه خدا و واماندگان در راه است. توبه/ ۶۰) شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳/۸).

امامیه غیر از زکات باب دیگری به نام خمس گشوده و برای ارباب مکاسب قائل به خمس است؛ و غنیمت در آیه ۴۱ انفال را اختصاص به غنائم جنگی ندانسته و می‌گویند برای هر کس آنچه از مخارج سال خود و عائله‌اش زیاد بماند و هر چه به هر نحو حاصل شده باشد، چه از تجارت یا صنعت و زراعت و یا حقوق و کار روزانه یا از املاک و بخشش و غیر آن فایده برد، باید خمس آن را خارج کند اگرچه در سال یک ریال از مخارج او زیاد بماند. (مغنیه، ۱۳۸۳: ۱۸۷/۱) ولی اهل سنت به چنین حکمی

قائل نیستند و این اختلاف در مذهب فقهی و تأثیر پذیری، خودش را در تفسیر آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ...» (بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و... است. انفال / ۴۱) نمایان ساخته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶:

(۱۷۱/۷)

زمخشری به سبب تأثیرپذیری فقهی از مذهبش در تفسیر آیه «مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأُولِي السَّبِيلِ... لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ...» (آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است. حشر/ ۷-۸) «للفقراء» را بدل از «لذی القربی» دانسته است؛ (زمخشری، ۵۰۳/۴) در حالی که میان بدل و مبدل منه فاصله زیادی است و به همین دلیل از سوی مفسران دیگر بویژه شافعی مذهبیان مورد نقد قرار گرفته است، (ابوحیان اندلسی، بی تا: ۱۴۲/۱۰) همچنین زرکشی این اعراب را خلاف ظاهر و منافات با نظم کلام دانسته و آن را به عنوان یکی از مثالهای اعراب جانب دارانه آورده است. (زرکشی، ۱۴۱۵: ۱/۴۱۴).

نتیجه:

از جمله مهم ترین باورهای مفسر، باورهای کلامی می باشد، مفسر تفسیر نمونه از علمای شیعه امامیه است و تفسیر ایشان برخاسته از این پیش زمینه می باشد، با جستجو در تفسیر نمونه این مطلب روشن می گردد که در باورهای کلامی که برای امامیه از حساسیت خاصی برخوردار است، مفسر این تفسیر نیز حساس بوده و باورهای کلامی خویش را در تفسیر آیات بروز داده است اصلی ترین و حساس ترین باور کلامی برای امامیه بحث امامت است که در ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء/۵۹) تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۳۴/۳) ابعاد مسئله را به خوبی تحلیل و عقاید امامیه را اثبات می نماید.

در بحث امامت به عنوان مثال تفهیم القرآن آیه «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ ص/۲۶) یا آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد. بقره/۳۰) را بر اساس باورهای اعتقادی اهل سنت به حکومت و فرمانروایی تفسیر می نمایند (مودودی، ۱۹۹۲: ۶۲/۱) و تفسیر نمونه بر اساس دیدگاه و باورهای اعتقادی امامیه آن را به امامت تفسیر نموده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ذیل آیات مورد بحث).

از جمله باورهای کلامی امامیه توسل و شفاعت است که برجسته‌ترین آیه در خصوص بحث توسل: «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ...» (کسانی را که آنان می‌خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می‌جویند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر؛ و به رحمت او امیدوارند. اسراء/۵۷)؛ «... وَأَسْتَغْفِرُ لَهُمْ الرَّسُولُ...» (پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد. نساء/ ۶۴) و علاوه بر آن آیاتی مانند: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ...» (سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد). بقره/ ۳۷) به‌عنوان مستندات بحث توسل مطرح شده است. همچنین آیات ۴۸ بقره، ۵۳ زمر، ۲۵۵ بقره، ۱۹ زمر و ۱۸ غافر از آنجا که مفاد ظاهریشان نفی شفاعت است می‌تواند از بهترین آیاتی باشد که موضع مفسر را نسبت به بحث شفاعت، روشن کند. آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر اینگونه آیات تلاش نموده‌اند با تکیه بر باورهای شیعه امامیه، تعارض ظاهری را نفی کرده و آن را توجیه کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۹۶/۱؛ ۴۵۱/۳؛ ۱۶۴/۱۲).

همچنین بحث از تقیه از باورهای شیعه امامیه را می‌توان در تفسیر نمونه ذیل آیاتی مانند: آل عمران/ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲/۵۰۰)، نحل/ ۱۰۶ (همان: ۱۱/۴۲۴)، کهف/ ۲۰-۱۹، (همان: ۱۲/۳۷۶) مشاهده کرد.

تفسیر نمونه برخاسته از مذهب فقهی شیعه و بر اساس ممیزات فقهی شیعه امامیه و تفهیم القرآن بر اساس ممیزات فقه حنفی نگاشته شده است و پیش زمینه باورهای فقهی نویسندگان در تفسیرشان مشهود است.

تفسیر نمونه در آیات الاحکام، مباحث فقهی را به تفصیل مطرح نکرده و تنها به اندازه‌ای که پرده از مقصود آیه بر اندازد، متعرض تفسیر این گونه آیات شده است، آیت الله مکارم در بحث هایی که در ذیل آیات الاحکام دارد از منظر یک فقیه شیعی به تفسیر آیات پرداخته است، در مجموع نگارنده بر این باور است که تفسیر نمونه در تفسیر آیات الاحکام، اصول و مبانی فقهی مذهب شیعه را مورد توجه قرار داده و از آن مبانی در تفسیر آیات الأحکام استفاده نموده است. هرچند نمی‌توان تفسیر نمونه را به‌عنوان یک «تفسیر فقهی» قلمداد کرد ولی در عین حال مفسر همانند برخی دیگر از مفسران معاصر گاهی به بررسی اجمالی تفسیر آیات الاحکام بر اساس آنچه پیشینیان فقیه گفته‌اند پرداخته و در برخی موارد، تحلیل‌های خوب و مفصلی هم در خصوص این آیات داشته است.

از جمله مهمترین باورهای فقهی تفسیر آیه وضو که نزد صاحب تفسیر نمونه از مرفق تا نوک انگشتان و در نزد مودودی طبق باورهای فقهی اهل سنت از نوک انگشتان تا مرفق، مسح سر و پا نزد شیعه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴/۲۸۶) و شستن آن نزد اهل سنت، جایز نبودن مسح بر کفش یا جوراب نزد شیعه و جواز آن در اهل سنت (مودودی، ۱۹۹۲: ذیل آیه ۶ سوره مائده). از دیگر ممیزات می‌توان به جواز نکاح متعه

در تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳/۳۳۵) و نسخ و حرام بودن متعه در نزد مفسر تفهیم القرآن (مودودی، ۱۹۹۲: ذیل آیه ۲۴سوره نساء)، همچنین عدم جواز سه طلاق به یک لفظ نزد شیعه و جواز آن نزد اهل سنت که در تفسیر آیات طلاق این تفاوت باورهای فقهی خود را نشان می‌دهد.

در باب زکات نیز تفسیرنمونه مراد از فی سبیل الله را عام دانسته و شامل مصالح عمومی نیز می‌داند بر خلاف تفهیم القرآن که آن را خصوص مجاهدینی می‌داند که به میل خود در جنگ برای دفاع از اسلام شرکت کرده اند (مکارم شیرازی، ۳۸۶: ۶/۸؛ مودودی، ۱۹۹۲: ذیل آیه ۶۰سوره توبه). همچنین قائل بودن تفسیر نمونه طبق باورهای فقهی امامیه به خمس و عدم آن در نزد تفهیم القرآن طبق باورهای فقهی اهل سنت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷/۱۷۲؛ مودودی، ۱۹۹۲: ذیل آیه ۴۱سوره انفال).

منابع:

قرآن کریم

۱. احمد، خورشید، تفهیم القرآن ایک انقلاب، لاهور، ادارہ منشورات، ۱۹۹۲ م.
۲. اژدری زاده، حسین، ابعاد تعیین اجتماعی معرفت در نهج البلاغه، رساله دکتری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. استادی، رضا، آشنایی با تفاسیر، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۳ ش.
۴. ایازی، سید محمد علی، شناخت نامه تفاسیر، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۷۸ ش.
۵. ایازی، سید محمد علی، قرآن و تفسیر عصری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۶. البیومی، محمد رجب، النهضة الإسلامية فی سیر اعلامها، دمشق: دار القلم، ۱۹۹۵ م.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح الجوهری، تحقیق: احمد عبد الغفور العطار، بیروت، مطبعة امیری، ۱۹۸۵ م.
۸. چشتی مودودی، زندگینامه مودودی، مشهد، چاپخانه خراسان، ۱۳۹۱
۹. حامدی، خلیل احمد، تفهیم القرآن وخصائصه، مجله الايمان، المملكة المغربية، الرباط، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. حرّ عاملی، محمّد بن حسن، وسائل الشّیعه، تهران، انتشارات مکتب اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، دارالثقلین، ۱۳۸۴

۱۳. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، قاهره، دار الکتب الحدیثه، ۱۳۸۱ ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب الفاظ القرآن الکریم، دمشق، دار القلم، بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۶ ش.
۱۵. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. رشاد، علی اکبر، منطق اکتشاف دین و فلسفه معرفت دینی در فلسفه دین، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، روشها و گرایشهای تفسیر قرآن، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی، قم، اسوه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر قرآن، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰ ش.
۲۰. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، دراسة و تحقیق: علی شیری، بیروت؛ دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. زرکشی، بدر الدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۲. سبجانی، جعفر، الهیات فی الكتاب و السنه، قم، موسسه امام صادق (ع)، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۹۲ ش.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق گروهی از علماء و محققین، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، نجف اشرف، مکتبه المرتضویه، (بی-تا)
۲۸. عباسی، مهرداد، تفسیر قرآن: تاریخچه، اصول، روش ها، (تفسیر فقهی) تهران، کتاب مرجع، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۹. عبدالحی، سعید، ابو الاعلی المودودی فی سطور، مجله الأزهر (نور الاسلام)، مصر: قاهره، ۱۹۸۱ م
۳۰. عراقی، حسین فعال، مقاله تفسیر نمونه، مجله گلستان قرآن، شماره ۹۰، ۱۳۸۱ ش.
۳۱. عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم: دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۳۲. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش های تفسیر قرآن، تهران، طبع و نشر، چاپ ششم، ۱۳۸۸ ش.
۳۳. قرطبی، محمد بن احمد، جامع الاحکام القرآن، تحقیق هاشم بخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. کاظم شاکر، محمد، مبانی و روش های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ ق.
۳۶. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.

۳۷. معروف حسنی، هاشم، شیعه در برابر معتزله و اشاعره، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ش.
۳۸. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، قم، صادق، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۸۶ ش.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۶ ش.
۴۱. مؤدب، سید رضا، مبانی تفسیر قرآن، قم، دانشگاه قم، چاپ چهارم، ۱۳۹۶ ش.
۴۲. مودودی، سید ابوالاعلی، الاسلام فی مواجهه التحديات المعاصره، دار القلم، کویت، ۲۰۰۸ م.
۴۳. مودودی، سید ابوالاعلی، الرسائل و المسائل، لاهور، اردو کتب گهر، ۲۰۰۸ م.
۴۴. مودودی، سید ابوالاعلی، تفهیم القرآن، لاهور، المنصوره، ۱۹۹۲ م.
۴۵. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.
۴۶. هرنندی، محمد جعفر، بهنام دارابی، اسباب اختلاف فقها در تفسیر متن، فقه مقارن، سال دوم، ش ۴، ۱۳۹۳ ش.
۴۷. هیک، جان، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۶ ش.
۴۸. یوسف بهته، محمد، مولانا مودودی اپنی اور دوسروں کی نظر میں (مودودی از دیدگاه خویش و دیگران)، لاهور، اداره معارف اسلامی، ۱۹۸۴ م.